

ساختن حقوق بشر در برهه جهانی شدن

دکتر مهدی ذاکریان

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Mahmood Monshipouri, Neil Englehart, Andrew J. Nathan, Kavita Philip (eds.), *Constrancting Human Rights in the Age of Globalization*, New York: M. E. Sharpe, 2003, 353 pages.

پس از آن، بر پایه دستور ریاست جمهوری ساختمان‌هایی بلندمرتبه از جنس شیشه‌ای، هم‌سبک با برج‌های بی‌قواره تهران در اختیار مرکزی قرار گرفت که «گفت‌وگوی تمدن‌ها» نامیده شد. ساختمان‌های ولنجک، پارک ساعی، فرمانیه و... در زیر پای چنین مرکزی قرار گرفت. این تنها دانشگاه آزاد اسلامی نبود

از سخنان سید محمد خاتمی هنگامی که به نمایندگی از ملت ایران در سپتامبر ۱۹۹۸ در مجمع عمومی سازمان ملل اظهار داشت: «انقلاب مردم ایران خواهان گفت‌وگو میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها است، نه برخورد بین آنها» بسیار دور نیستیم. همچنین به یاد داریم که در همین زمینه سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۱ را سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامید.

که بزرگترین و گرانترین عمارت‌های تهران در «پاسداران»، شهرک غرب، زعفرانیه و پونک را در دست می‌گرفت. مرکزی به نام «تمدن‌ها» نیز وارد میدان شد. با معجون‌های گروه‌های جغرافیا، هنر، معماری، علوم اجتماعی، فلسفه و سیاست. همه این هزینه‌ها در جایی مایه شگفتی می‌شود که یورگن هابرماس به هنگام دیدار با مدیران و استادان این مرکز از موضوعی اظهار شگفتی می‌کند. اینکه این مرکز از گروه حقوق بهره نمی‌برد. به ویژه اینکه «اسلام» و «ایران» در بعد جهانی دارای مکتب و اسلوب هستند. هابرماس راست می‌گفت زیرا همواره قواعد حقوقی ما در تعامل، همکاری و تقابل با دیگر مکاتب حقوقی قرار گرفته است. از این روی برای هابرماس مایه شگفتی بود که دست‌اندرکاران گفت‌وگوی تمدن‌ها در این زمینه کاری نکرده‌اند، در حالی که حقوق پارادایم خوبی برای مناظره و گفت‌وگوی تمدن‌هاست. اگرچه نبود گروه حقوق در آن مرکز شیشه‌ای سبب شگفتی هابرماس بود، اما برای ما که در این مرز و بوم زندگی می‌کنیم چنان مایه شگفتی نیست. ما (دست کم مای

دانشگاهی) به این نکته آگاهیم که بسیاری از برنامه‌ها، طرح‌ها و راهبردها به شیوه اتفاقی و تصادفی در کشور تصویب می‌شوند و با هیجان و شور به پیش می‌روند. آن برنامه‌ها برای گُل کردن و شکفتن نیازمند سیستم عاملی به نام «جوک» و «ادبیات ابتذال»، «فهم در اندازه رییس و مافوق» و «برقراری رابطه فردی و شخصی با مدیران و رئیسان» هستند. به همین روی، بسیار طبیعی است، نه! اصلاً درست هم همین است که چندین و چند سال مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها در باب جغرافیا و معماری و نقاشی و... گفت‌وگو کند و آنگاه آن هم به واسطه نگرش دیگری از جایی دیگر به یاد آوریم که ما برای گفت‌وگو «حقوق» هم داریم. اما در جایی دیگر از دنیا دل‌نگرانی‌های هابرماس دستاورد تلاش‌های علمی - پژوهشی کتابی شد که دکتر محمود منشی‌پوری آن را تدوین، تنظیم و آماده کرده است و در نیویورک به چاپ رسید.

آنها که دستی در حقوق بشر دارند یا دست کم با ادبیات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه آشنا هستند، نام‌هایی را آشنا و نزدیک می‌بینند و محمود منشی‌پوری یکی

از نام‌هایی است که به واسطه پژوهش‌های پیمایشی و تحلیلی - توصیفی ارزنده‌ای که انجام داده بسیار آشناست. وی و دیگر نویسندگان کتاب، متدلوزی بسیار ساختاری دارند: چگونه می‌توان عدالت اجتماعی و کرامت بشری را در تعامل با حقوق بشر و جهان‌شمولی ترویج نمود؟ کتاب با طرح این پرسش کلیدی طی سه بخش و دوازده گفتار به پاسخی می‌رسد که ما را با هابرماس هم‌سخن می‌کند: «به شیوه مناظره و گفت‌وگو».

کتاب ساختن حقوق بشر در برهه جهانی شدن دستاورد سمینار: تمایزات و ارزش‌های فرهنگی: حقوق بشر و چالش نسبی‌گرایی است. این سمینار در سال ۱۹۹۹ در دانشگاه کلمبیا به مدیریت پروفیسور آندرو ناتان^۱ برگزار شد. در واقع، کتاب به شیوه پژوهش‌محوری^۲ - روشی که ما در کشور یا از آن بهره نمی‌گیریم و یا بدتر اینکه از آن بی‌آگاهییم - تهیه و تولید شده است. برپایه این روش، موضوع پژوهش از سوی یکی از دانشگاه‌ها یا مراکز پژوهشی بزرگ تعریف

و به صورت پروژه در اختیار گروهی از استادان دانشگاه، مجریان و پژوهشگران شناخته شده و دانشجویان دکترا قرار می‌گیرد. آنها تیم تحقیقاتی پروژه محسوب شده و هر یک نگارش گفتاری از پروژه را عهده‌دار می‌شوند. در این راستا، سمینار، میزگرد و گفت‌وگوهای برگزار می‌شود تا هماهنگی‌های مورد نیاز میان نویسندگان انجام شود. این کتاب هم برپایه همین شیوه آماده شده و نویسندگان کتاب شرکت‌کنندگان در سمینار یاد شده‌اند. این کتاب، دستاورد به‌کارگیری روش پژوهش‌محوری است. این روش در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه، دانشگاه کلمبیا، دانشگاه روبرشومان و بسیاری از دیگر دانشگاه‌ها کاربرد دارد.

کتاب ساختن حقوق بشر در برهه جهانی شدن یکی از موضوعات بحث‌برانگیزی است که به ندرت می‌توان درباره مباحث آن با دیگران به یک هم‌فکری دست یافت. همین نگرانی، دلیل اصلی نگارش این کتاب در یک تیم سیزده نفری است که هر یک به موضوع ویژه‌ای پرداخته‌اند. اگرچه ارایه دیدگاه‌ها سبب کنکاش بحث از زاویه‌های گوناگون است،

1. Andrew J. Natan

2. Research Oriented

اما کمتر می‌توان آن را یک تز یکپارچه در موضوع مورد نظر دانست.

کتاب با مقدمه‌ای مفصل با عنوان نگاهی به حقوق بشر در برهه جهانی شدن، به این نکته اشاره می‌کند که جهانی شدن، جهان‌شمولی‌ها را در پی دارد. جهانی شدن سبب شده تا باورهای جهان‌شمول تحت تأثیر قرار گیرند. با جهانی شدن، جهان‌شمول‌ها در پشت چشمان ما به رقابت می‌پردازند. در واقع جهانی شدن به شیوه‌ای پارادوکس هم جهان‌شمولی را تقویت می‌کند و هم آن را تضعیف می‌کند. این موضوع مهم‌ترین بخش از مباحث حقوق بشری است و کتاب به درستی به این نکته می‌پردازد. برداشت و زاویه نویسندگان در تحلیل این موضوع به‌جا و درست است و همه گفتارهای کتاب در سه بخش به این موضوع توجه می‌کنند.

همه پژوهشگران و فعالان حقوق بشر می‌دانند که بدون فراگیری هنجارها و اصول حقوق بشر نمی‌توان امید به رعایت حقوق بشر داشت. کتاب از همین منظر تهیه و تدوین شده است. به باور دست‌اندرکاران این کتاب تماس‌های

میان‌فرهنگی نیز به تقویت جهان‌شمولی‌ها می‌انجامد. همچنین، جهانی شدن مردم را به یک شبکه جهانی و تعامل با دیگر ملت‌ها می‌کشاند و کتاب نیز با بهره‌گیری از همین موارد آماده شده است. جنبش جهانی حقوق بشر یکی از شبکه‌های جهانی است. همان‌گونه که گفتارهای دوازده‌گانه کتاب اشاره می‌کنند، فعالان حقوق بشر در چارچوب هنجارهای جهانی به مردم همه‌جای دنیا می‌پیوندند. این‌ها و همچنین رژیم‌های فراملی مانند دارندگان حق (گفتار ۱)، حقوق بین‌الملل (گفتار ۳) و یا سیاست خارجی آمریکا (گفتار ۶) ممکن است به شیوه‌هایی روی بازیگران محلی اثر بگذارند.

نویسندگان چون روش پژوهش‌محوری را در جغرافیای دنیای شمال انجام می‌دهند، طبیعی است که تحت تأثیر آن فضا به موضوع جهانی شدن و رابطه آن با جهان‌شمولی بسیار مثبت نگاه کنند. از نگاه آنها بیشترین چالش در موضوع اقتصاد و بازرگانی است. حال آنکه یک شهروند جنوبی به درستی، ناروایی‌های جهانی شدن و جهان‌شمولی حقوق بشر را لمس می‌کند. آنگاه که همه سرمایه‌ها و دستاوردهای

بومی باید در راه موضوع جهان‌شمولی
هنجارهای حقوق بشری باختر زمین قربانی
شوند. در چنین فرآیندی حتی مجالی برای
بررسی و طرح ایده‌های دیگر کشورها در
فضای جهانی شده باقی نمی‌ماند. پس از
این دیباچه می‌توان نگاهی به ۳ بخش و
۱۲ گفتار کتاب داشت.

نخستین بخش کتاب با عنوان «ستیز
برای کنترل رژیم حقوق بشر» چهار گفتار
را در بر دارد. در این بخش این موضوع
مورد توجه قرار می‌گیرد که اکنون چه
کسی دارای فرهنگ است و چگونه
درگیری‌های سیاسی و فرهنگی روی
حقوق بشر در دنیا به وجود می‌آید.
همچنین رژیم‌های حقوقی و دولت مدرن،
موضوعات محیط زیست، پیشرفت و
حقوق بشر و حقوق جهان‌شمول زنان با
توجه به موضوع جهانی شدن (مقاومت یا
ترویج) تحلیل می‌شود و مورد بررسی
دوباره قرار می‌گیرد. در این بخش به
جهان‌شمول‌هایی توجه می‌شود که بیشتر
حقوق طبیعی و ذاتی هستند. گفتارهای
بخش یک نشان می‌دهند که چگونه این
جهان‌شمول‌ها ساخته شده‌اند و اینکه آنها

چگونه ممکن است مقاومت کنند یا
محدود شوند.

کارن ایر^۱ دانشیار دانشگاه براندیس در
گفتار ۱: «چه کسی مالک فرهنگ ما
است؟ مالکیت معنوی، حقوق بشر و
جهانی شدن» این موضوع را مطرح می‌کند
که جهانی شدن رژیم‌های حقوق بشر
نیازمند نهادینه شدن مستحکم مالکیت
خصوصی و روابط اجتماعی مبتنی بر آن
است که هم‌زمان یک واکنش به نام حقوق
مالکیت مشترک را تحریک می‌کند.
موضوع مورد توجه در این گفتار رابطه
جهانی شدن و نسل ۲ حقوق بشر است.
در واقع کارن ایر این موضوع را نشان
می‌دهد که جهانی شدن اقتصادی سبب
می‌شود تا پارادوکس‌های نظام‌های
گوناگون حقوقی هویدا شود.

«پیامدهای ساخت یک جهان‌شمول:
دموکراسی و حقوق مدنی در دولت
مدرن» عنوان گفتار دوم است. نیل
انگلهارت^۲ عضو موسسه مطالعات
پیشرفته در پرینستون بر این باور است که
دولت‌ها سازنده‌گرایان اجتماعی هستند که

1. Caren Irr

2. Neil A. Englehart

پیشرفت با محیط زیست است. مهم‌ترین بخش بحث فیلیپ هم آنجایی است که او به اکولوژی سیاسی و تأثیر آن بر سه نسل حقوق بشر می‌پردازد.

گفتار چهارم با عنوان «برگردانی از فمینیسم لیبرال: بازنگری سوزان اوکین^۲ روی آزادی، فرهنگ و حقوق زنان» از سوی آلن فریبرگ^۳ به رشته نگارش درآمده است. آلن فریبرگ اظهار می‌کند که برخی از انسان‌ها تجربه‌های مشترک جهان‌شمول دارند که می‌توانند بنیاد یک گفت‌وگو در برابر مواضع جهان‌شمول‌ها را تشکیل دهد. به نظر او جهان‌شمولی پدرسالاری یک بنیاد مشترک برای نظریه‌سازی و عملکرد ویژگی‌های فرهنگی زنان را تشکیل می‌دهد. عملکرد زنان در جاها و مناطق مختلف، متفاوت است.

چهار گفتار بخش ۱ نگرش مشترک جهانی شدن به عنوان بازاری برای بازیگران بین‌المللی برای اعمال قدرت بر جوامع محلی است. جهانی شدن، پدیده افت‌وخیزداری است که همواره با

در جهان مدرن، جهان‌شمول و فراگیر شده‌اند. جهانی شدن دولت به طور غیر مستقیم فعالیت حقوق بشر را گسترش داده است. زیرا دولت‌ها یک چارچوب نهادی از دموکراسی و حقوق بشر را به وجود می‌آورند.

کویتا فیلیپ^۱ با طرح موضوع واکنشی به گروه‌های زیست محیطی، پیشرفت و حقوق بشر در محتوای جهانی شدن، به نسل ۳ حقوق بشر می‌پردازد. تلاش او موضوعی است که همواره مورد توجه کشورهای جنوب است. اما فیلیپ از میان نسل ۳ حقوق بشر بیشتر روی موضوع محیط زیست که دل‌نگرانی شهروندان کشورهای شمال و گروه‌های غیر حکومتی آنها است متمرکز می‌شود. تلاش او تأکید بر جهان‌شمولی حقوق محیط زیست است. نظریه‌پردازی فیلیپ در این موضوع تحت تأثیر مطالعات گذشته اوست. او که دانشیار موسسه فن‌آوری جورجیا است بیشتر پژوهش‌های خود را در زمینه مسایل زیست محیطی انجام داده و در این گفتار نیز محور بحث او رشد سیاست‌های جهانی زیست محیطی و ارتباط موضوع

2. Susan Okin

3. Ellen M. Freeberg

1. Kavita Philip

مقاومت‌های ملی روبه‌رو می‌شود. در بخش ۲ کیس‌هایی بررسی می‌شوند که در آنها جهان‌شمولی‌ها از پایین ساخته شده‌اند. در این زمینه تحولات چند کشور بررسی می‌شود.

نخستین گفتار بخش ۲ (گفتار ۵) «سیاست‌های فرهنگی و حقوق بشر در ایران: پویایی‌های جهانی‌سازی و محلی‌سازی» از دکتر محمود منشی‌پوری گردآورنده اصلی کتاب است. این گفتار از یک سو موضوع بحث‌برانگیز در داخل کشور است و از سوی دیگر یک موضوع خواندنی از منظر بین‌المللی. فهم سیاست‌های حقوق بشری و فرهنگ در ایران برای خواننده باخترزمین زیبا است و منشی‌پوری در همین زمینه به بررسی فعالیت‌هایی که در ایران روی حقوق زنان و آزادی مطبوعات کار می‌کنند می‌پردازد. به نظر منشی‌پوری آنها (طرفداران حقوق بشر در ایران) از منابع فرهنگی بومی بهره می‌گیرند تا بتوانند خود را با استانداردهای غنی بین‌المللی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر هماهنگ سازند. به نظر آنها اسلام با استانداردهای جهان‌وطنی حقوق بشر هماهنگ است.

آنها در پاسخ به محافظه‌کارانی که با برخی از قواعد حقوق بشر مخالفت می‌کنند از برخی تفسیرهای اسلامی بهره می‌برند.

این نگاه منشی‌پوری همانند نگاه غربی‌ها به حقوق بشر در جنوب است که سرمایه‌های جنوب را یک‌سره انکار می‌کنند. به باور آنها دیگران در تلاش برای رسیدن به سرمایه‌های غنی (!) حقوق بشر باخترزمین هستند. منابع حقوق بشر فرهنگی و بومی جنوب جوهری و ذاتی نیست و تنها کارآیی آن برداشت تفسیری برای مشروعیت دادن به منابع غنی حقوق بشر غربی است. منشی‌پوری از یاد برده است که تلاش‌های نوگرایانه شاه برای دستیابی به حقوق زنان و تحول در آداب و معاشرت زنان به آنجا انجامیده بود که نه تنها حقوق مدنی و سیاسی زنان از سوی خانواده ایرانی انکار شود بلکه حتی حقوق نسل ۲ نیز در قاموس حقوق زنان جایگاه کوچکی داشته باشد. اما جمهوری اسلامی ایران به رغم تعارض با برخی بنیادهای حقوق بشر غربی توانست باورهای خانواده ایرانی در موضوع زنان را تحت تأثیر قرار دهد. هم‌اکنون زن ایرانی در سطح کلان کشور جایگاه بیشتری

تا اعمال برخی استانداردها به زور. سیاست حقوق بشری آمریکا در چین از ابزارهای سستی مانند خط مشی‌های بازرگانی دوری کرده و به پشتیبانی از سازمان‌های غیر حکومتی بومی برای ساخت جامعه مدنی در آنجا متمرکز شده است. هدف، کمک به فعالان بومی برای ساخت استانداردهای حقوق بشر و حاکمیت قانون در آنجا است. چین این کمک‌ها را تأیید می‌کند زیرا در آنها منافعی برای خود می‌بیند.

«جهانی شدن و حقوق بشر برای کارگران در چین» عنوان گفتار ۷ کتاب است که از سوی دوروتی سولینجر^۲ به نگارش درآمده است. وی که استاد علوم سیاسی در دانشگاه کالیفرنیا است می‌نویسد: «جهانی شدن واقعی» تأثیرات جهانی شدن را روی شهروندان و کارگرانی اعمال می‌کند که در کشورهای دیگر دیده می‌شوند و با اقتصادی جهانی سر و کار دارند. حکومت چین سیاست جهانی شدن را بدون توجه به رقابت کنونی بیرون مرزها به کار برد. اما تأثیر سلطه جهانی ایده‌ها؛ از رقابت‌ها که به

نسبت به گذشته یافته است و این جایگاه در خانواده ایرانی انکار نمی‌شود. اکنون زنان در دانشگاه، مطبوعات و رسانه‌های گروهی، سازمان‌های غیر حکومتی، مدیریت و تصمیم‌گیری، فن‌آوری و پزشکی و بسیاری دیگر از مرحله‌ها حضوری ممتاز یافته‌اند. حتی همسران و دختران بسیاری از تصمیم‌گیرندگان کشور و یا طبقه روحانی کشور هم‌اکنون از مدعیان درجه ۱ حقوق زنان شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که انکار سرمایه‌های بومی و در آغوش گرفتن یک‌سره هنجارهای بیرونی تا چه اندازه در رشد حقوق زنان و حقوق مدنی و سیاسی در کشورهای جنوب ناکارآمد است و در مقابل بهره‌گیری از سرمایه‌های ذاتی و جوهری منطقه تا چه اندازه در پویایی حقوق مدنی و سیاسی سودمند است.

گفتار ۶ با عنوان «بازیگران بیرونی و تعقیب جامعه مدنی در چین» از سوی ربکا مور^۱ به رشته نگارش درآمده است. ربکا در این گفتار نشان می‌دهد که چگونه سیاست آمریکا در چین به ترغیب جهانی شدن در چین از پایین متمرکز شده است،

2. Dorothy J. Solinger

1. Rebecca R. Moore

طور طبیعی وابسته به اقتصاد جهانی است می‌آید. این تأثیر، حقوق شهروندی را کوچک می‌کند.

گفتار ششم نیز مطالعه موردی است. پرونده مورد بحث این گفتار هنگ کنگ است. «محللی سازی حقوق بشر در برهه جهانی شدن» نوشته لیندا بوتنهوف^۱ است. وی بحث چین را با بررسی بومی کردن پویایی‌های تغییر در هنگ کنگ ادامه می‌دهد. در حالی که مور به موضوع جامعه مدنی و سازمان‌ها توجه می‌کرد و سلینجر بحث تلاش‌های خودجوش حکومت چین در هماهنگی اقتصاد کشور با استانداردهای جهانی را دنبال می‌کرد، بوتنهوف موضوع ارتباطات ویژه‌ای که به وسیله سازمان‌های غیر حکومتی بین هنگ کنگ و جامعه بین‌المللی پدید آمده را بررسی می‌کند. بررسی وی نشان دهنده این موضوع است که چگونه سازمان‌های غیر حکومتی بومی و بین‌المللی در هنگ کنگ خواهان اعمال حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و استدلال نسبی‌گرایان پیرامون «ارزش‌های آسیایی» را رد می‌کنند. سازمان‌های غیر حکومتی

بومی، جهانی شدن از پایین را دنبال می‌کنند.

گفتارهای بخش ۲ همگی به ساخت جهان‌شمول‌های قابل پذیرش با بازار آزاد لیبرال غرب توجه دارند. بخش ۳ به بررسی مفاهیم قابل بحث و مناظره می‌پردازد و در تلاش است تا راه‌های دستیابی به یک اجماع را پیدا کند. نویسندگان این بخش دیدگاه لیبرال غربی را که به واسطه جهانی شدن غالب شده است به چالش می‌کشند. گفتارهای این بخش دیدگاه‌های منطقه‌ای را بررسی و آنگاه به دنبال یافتن راهی برای گفت‌وگو در مباحث مورد نظر است.

گفتار ۹: «چالش‌های حقوق بشر بین‌المللی» را جوانی باور^۲ مدیر مطالعات اخلاق و امور بین‌الملل شورای کارنگی تنظیم کرده است. او در این گفتار تمایز میان ایده‌ها، نمادها و سنت‌ها و رویه‌های فرهنگی میان کشورهای بیرون از باخترزمین را نشان می‌دهد. در واقع دیدگاه‌ها و ارزش‌های کشورهای گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

2. Joanne Bauer

1. Linda Butenhoff

اجماع هنجاری است تا زور و اجبار به منظور تطبیق و هماهنگ‌سازی.

یکی از بنیادهای گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی، تجربه و یادآوری رنج‌ها است. این موضوع از سوی جان دونی^۳ استاد مطالعات مذهبی در دانشگاه گونزاگا مطرح می‌شود. به نظر او تحمل رنج‌ها تجربه جهان‌شمول همه افراد است. یک تجربه مشترک برای همه.

کتاب با یک نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. نویسندگان در اینجا دوباره از مجموعه محتوای کتاب، عنوان کتاب را نتیجه می‌گیرند: «بازسازی دوباره حقوق بشر در جامعه جهانی». اینجا است که موضوع گفت‌وگوی مطرح شده در آغاز این نقد و بررسی مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. در جهانی که جهانی شدن، جهان‌شمولی‌ها را می‌سازد و جهان‌شمولی‌ها در حال رقابت و منازعه هستند؛ تنها مسیر گفت‌وگو است که در شرایط احترام متقابل می‌تواند کرامت بشری را پاسداری کند و آن را ارتقا دهد و عدالت اجتماعی را ترویج کند. دستیابی به این امر مبهم نیست. بحث اصلی کتاب

گفتار ۱۰: «موانعی در راه فراگیری اجماع پیرامون حقوق بشر» را چارلز لوکهارت^۱ استاد علوم سیاسی در دانشگاه مسیحی نگزاس تنظیم کرده است. بحث او بیشتر مبتنی بر دلایل نظری است. به نظر او فرهنگ‌ها کثرت‌گرا هستند. در جهان امروز سه فرهنگ وجود دارد: فردگرا، عدالت‌گرا و پدرسالار که هر سه در کنار هم زندگی می‌کنند و همیشه هم وجود خواهند داشت. بهترین امید برای این فرهنگ‌ها سازش است نه اجماع.

گفتار ۱۱ با عنوان «جهانی‌سازی ارزش‌های فرهنگی: گفتمان حقوق بشر بین‌المللی به عنوان یک اقتناع فرهنگی» از سوی چن یانگ لی^۲ نوشته شده است. او که استاد فلسفه در دانشگاه آن‌هوی چین است هرگونه گفت‌وگوی سودمند را نیازمند احترام متقابل و تمایل به بازبینی باورهای طرفین می‌داند. به نظر او اگر این موضوع را در نظر بگیریم که مردم ارزش‌های گوناگونی دارند، اقتناع اخلاقی بهترین روش برای به وجود آوردن یک

1. Charles Lockhart

2. Chen Yang Li

3. John K. Downey

این بود که چگونه عدالت اجتماعی و کرامت بشری در ارتباط با حقوق بشر و جهان‌شمولی آن می‌توانند ترویج شوند؟ پاسخ اینکه راه‌کار بی‌چون و چرا و مطمئنی وجود ندارد و بایستی با مناظره و گفت‌وگو این مسیر را ساخت.

کتاب به رغم گستردگی مباحث ارایه شده از حیث نظری، مصداقی و مفهومی از سازمان‌دهی بسیار خوب و روانی برخوردار است. همین سازمان‌دهی است که هم‌دلی با نتیجه‌گیری را شیرین می‌کند. آنچه که در مطالعه این دست از نوشته‌ها توصیه می‌شود، شالوده‌شکنی فضای نگارش و پژوهش دست‌اندرکاران این نوشته‌ها است. بیشتر متون تولید شده حقوق بشر در باخترزمین از دانش به معنای سخت آن^۱ به دورند و تحت تأثیر فضای فکری، فرهنگی و سیاسی آن سامان به نگارش درآمده‌اند. شالوده‌شکنی دنیای شمال و پرداختن به مسایل حقوق بشری منطقه با نگاه و دقت در سرمایه‌های بومی دو مؤلفه‌ای هستند که با قرار گرفتن بر روی آنها، بررسی و بهره‌گیری از

دست‌نوشته‌های دنیای شمال نه تنها ارزشمند بلکه ضروری است.



1. Hard Science